



مجله‌ی برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری
سال هفتم، شماره‌ی ۲۶، پاییز ۱۳۹۷
صفحات ۵۱-۲۸

موانع تحقق طبیعت‌گردی حامی فقرا (مورد مطالعه: روستاهای منتخب شرق استان سمنان)

محمد رضا رضوانی^۱

سید علی بدری^۲

ذبیح الله ترابی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۰۵

چکیده

گردشگری با توجه به ماهیت خود، چشم‌اندازی گسترده‌ای را برای متنوع سازی مشاغل ایجاد کرده است و فرصتی را برای مشارکت فقیرانی که اغلب در مشاغل فصلی و اقتصاد غیررسمی فعالیت می‌کنند، فراهم نموده است. به‌طور کلی هدف آن است که طبقه پایین جوامع روستایی به همان اندازه که در پرداخت هزینه‌های اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و زیست‌محیطی رشد گردشگری شریک هستند، سهم خود را نیز در منافع حاصل از توسعه گردشگری دریافت نماید. بر این اساس، پژوهش حاضر با یک مطالعه کیفی از نوع تحلیل محتوا با روش نمونه‌گیری هدفمند موانع پیش روی تحقق طبیعت‌گردی حامی فقرا را در روستاهای منتخب شرق استان سمنان (قلعه بالا، رضاآباد و ابر) مورد واکاوی قرار داده است. گردآوری اطلاعات از طریق مصاحبه، با شش گروه ذی‌نفع کلیدی (فقرا، افراد خارج‌شده از فقر، مدیران محلی، سرمایه‌گذاران، ساکنان محلی) در تابستان و پاییز ۱۳۹۶ به‌دست‌آمده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد ذی‌نفعان موانع فراروی تحقق طبیعت‌گردی حامی فقرا در روستاهای مورد مطالعه را در پنج طبقه نابرابری آموزشی، روابط نابرابر قدرت، سبک زندگی، تقدیرگرایی و مشکلات مدیریت و تمرکزگرایی تصمیمات طبقه‌بندی نمودند.

کلمات کلیدی: روستاهای سمنان، موانع، طبیعت‌گردی، حامی فقرا.

^۱ استاد دانشکده جغرافیا و عضو قطب علمی برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران

^۲ دانشیار دانشکده جغرافیا و عضو قطب علمی برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران (نویسنده مسؤول) sabadri@ut.ac.ir

^۳ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، تهران

مقدمه

منطقه خارتوران شهرستان شاهرود شامل سه محدوده حفاظت‌شده است که علاوه بر منطقه حفاظت‌شده، پناهگاه حیات‌وحش را در شرق و پارک ملی در میانه خود دارد. این منطقه بعد از سرنگتی^۱ در کشور تانزانیا^۲ دومین منطقه بیوسفر جهان به شمار می‌آید. علاوه بر آن، این زیست‌گاه در ضلع جنوبی جاده تهران- مشهد و شمال شرقی کویر مرکزی ایران واقع شده است (طرح جامع گردشگری استان سمنان، ۱۳۹۴). این ویژگی‌ها باعث جذب بسیاری از گردشگران دوست‌دار طبیعت به این زیست‌گاه شده است. به طبع زیست‌گاه‌های انسانی بخصوص مناطق روستایی خارتوران نیز از رشد گردشگری بی‌بهره نبوده‌اند. طبق گزارش‌های سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان سمنان (۱۳۹۵) مناطق روستایی شرق استان بخصوص روستاهای نمونه گردشگری قلعه بالا، رضا آباد و ابر به خاطر طبیعت بکر و بافت روستایی منحصر به فرد خود در سال‌های اخیر به مقصدهای مهم طبیعت‌گردی روستایی استان تبدیل شده‌اند. به طوری که می‌توان گفت بخش اعظمی از فعالیت‌های گردشگری در این سه روستا از نوع طبیعت‌گردی است. گزارش‌ها نشان از آن دارد که گردشگری به‌ویژه تورهای گروهی به‌طور مداوم در این روستاها جریان دارد. از طرف دیگر در سال‌های (۹۵-۱۳۹۴) به‌طور متوسط سالیانه پنجاه گردشگر خارجی از این روستاها بازدید داشته‌اند. این رشد باعث افزایش توجه مسئولان و روستاییان به مزایای حاصل از توسعه گردشگری شده است. به‌عنوان مثال در چند سال اخیر اقامتگاه‌های رسمی بوم‌گردی در این روستاها به بیست اقامتگاه با ظرفیت ۱۰۰ نفر افزایش یافته است. (سازمان میراث فرهنگی استان سمنان، ۱۳۹۵) با این حال، طبق گزارش‌های کمیته امداد امام خمینی (ره) و بهزیستی استان سمنان (۱۳۹۵) سه روستای مورد مطالعه نسبت به دیگر مناطق روستایی استان به علت انزوا و نوع معیشت سنتی در سال‌های گذشته، فقرای زیادی را در خود جای داده‌اند و تعداد خانوارهای تحت پوشش این دو نهاد در روستاهای مورد مطالعه قابل توجه است؛ بنابراین ضرورت دارد با توجه به استعدادها و فرصت‌های توسعه طبیعت‌گردی در این مناطق، نقش فقرا را در زنجیره تأمین این فعالیت افزایش داد؛ برای تحقق این مهم، صاحب‌نظران و سازمان‌های بین‌المللی از قبیل بانک جهانی و سازمان جهانی گردشگری، رویکرد گردشگری حامی فقرا را پیشنهاد می‌دهند. (سازمان جهانی گردشگری،^۳ ۲۰۱۶)

مروری بر مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد این مفهوم در دهه‌های ۹۰-۱۹۸۰ در مباحث تئوریک بسیار مبهم بوده است (هریسون،^۴ ۲۰۰۸) اما در اواخر دهه ۱۹۹۰ توسط دپارتمان توسعه بین‌المللی بریتانیا^۵ بانام گردشگری حامی فقرا ظاهر شد. "گردشگری حامی فقرا درصد افزایش

¹ Serengeti National Park

² Tanzanian

³ WTO (World Tourism Origination)

⁴ Harrison

⁵ UK Department for International Development (DFID)

منافع خالص برای فقرا از طریق رشد گردشگری در ابعاد سه‌گانه توسعه پایدار (اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی) است؛ و اطمینان از اینکه رشد گردشگری سبب کاهش فقر شود (اشلی، بوید و گودوین^۱، ۲۰۰۰؛ اشلی و میچل^۲، ۲۰۰۹؛ هال^۳، ۲۰۰۷؛ سائوتو، روحن و نیکز^۴، ۲۰۱۶؛ تروونگ، هال و گری^۵، ۲۰۱۴؛ ژائو و ریچی^۶، ۲۰۰۷)"

این نگرش نیازمند آگاهی از روش‌هایی است که می‌تواند بر روی فقر، سرمایه‌گذاری در جهت کاهش آن و ایجاد فرصت‌هایی در جهت درگیر ساختن افراد فقیر با این فعالیت مؤثر باشد (اشلی و میچل^۷، ۲۰۰۹؛ اشلی و رو، ۲۰۰۲؛ اشلی، ۲۰۰۶)

علاوه بر این، در نشست جهانی توسعه پایدار در اوت ۲۰۰۲ در ژوهانسبورگ برنامه پژوهشی با عنوان استپ^۸ (گردشگری پایدار و فقرزدایی) در راستای اهداف هزاره توسعه (۲۰۰۰) راه‌اندازی شد (اسپنسیلی و سیف، ۲۰۰۳). که از آن زمان تا به حال این برنامه در ۵۷ کشور جهان اجرا شده است. همچنین در اهداف برنامه توسعه پایدار (۲۰۱۵) نیز بدان تأکید شده است (شارپلی و تفلر، ۲۰۱۴) اما در ایران بعد از انقلاب اسلامی، بخش دولتی سعی نمود از طریق برخی نهادهای حمایتی از قبیل کمیته امداد امام خمینی با حمایت‌های مادی از بخشی از اقشار تهیدست جامعه روستایی از شدت آسیب‌پذیری آن‌ها بکاهد؛ اما با بسنده کردن به کمک‌های صرفاً مالی و نبود رویکردهای توانمندسازی، آن‌ها را از بین بردن فقر ناتوان ساخته است (ازکیا، ۱۳۸۱). این در حالی است که تحقیقات بانک جهانی نیز نشان از ناکارآمدی مؤسسات خیریه سنتی دارد (نارایان پارکر، ۲۰۰۲) بانک جهانی (۲۰۰۲) معتقد است وابستگی بیش حد فقرا به کمک‌های مالی مستقیم، انگیزه آن‌ها را برای بهبود زندگی خویش از بین خواهد برد (مدینه-مونوز، مدینه، مونوز، و گوتیرز-پرز^۹، ۲۰۱۶؛ چی ونز، ۲۰۱۲؛ ژائو^{۱۰}، ۲۰۰۹). بدین دلیل است که گردشگری حامی فقرا برخلاف روش‌های مؤسسات خیریه سنتی به دنبال ایجاد فرصت، امنیت و توانمندسازی فقرا است (هریسون، ۲۰۰۸). به‌طور کلی می‌توان گفت که درحالی‌که ۱۲ درصد از مردم دنیا درآمدی کمتر از یک دلار در روز دارند، ما به رویکردی که وضعیت معیشت این افراد را در مرکز توجه قرار دهد، در کنار سایر رویکردهای پایداری محتاج هستیم (سایمان و جیپینیکولی^{۱۰}، ۲۰۱۶)

¹ Ashley, Boyd, & Goodwin

² Ashley & Mitchell

³ Hall

⁴ Ruhanen, & Noakes

⁵ Truong, Hall, & Garry

⁶ Zhao & Ritchi

⁷ Ashley & Mitchell

⁸ Sustainable Tourism - Eliminating Poverty (ST- EP)

⁹ Perez

¹⁰ Saayman & Giampiccoli

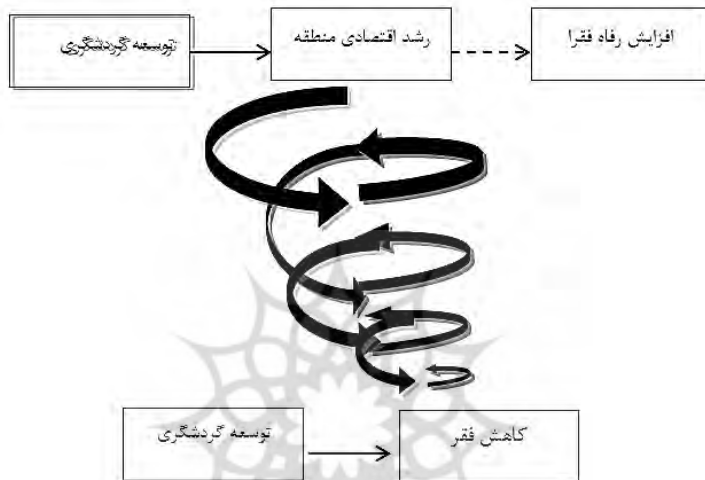
بنابراین این رویکرد توانایی آن را دارد که با دوری از رویکرد مؤسسات خیریه سنتی گام‌های مؤثری در توانمندسازی اقشار ضعف جامعه بردارد؛ بنابراین ضرورت دارد با توجه به استعدادها و فرصت‌های توسعه گردشگری در جهان امروز، نقش فقرا را در زنجیره تأمین گردشگری افزایش داد. اما به تبع در روستاهای منتخب موانع بسیاری برای تحقق گردشگری حامی فقرا در روستاهای منتخب وجود دارد؛ بنابراین در این پژوهش سعی خواهد شده است با استفاده از روش تحلیل محتوا به‌عنوان یکی از رهیافت‌های روش‌شناسی کیفی با بررسی عمیق رفتارها، عقاید و طرز تفکر گروه‌ها به همان‌گونه که در زندگی واقعی آن‌ها روی می‌دهد، به کشف موانع تحقق طبیعت‌گردی حامی فقرا در روستاهای منتخب شرق استان سمنان، پرداخته شود.

مروری بر ادبیات تحقیق

واژه توسعه برای اولین بار در دهه‌های پس از جنگ جهانی دوم برای بسیاری از دانشمندان علوم اجتماعی غربی معنای روشنی یافت. از آن زمان، موضوع اساسی، مسیرهای مناسب سیاسی و اقتصادی کشورهای توسعه‌نیافته یا در حال توسعه بود که بسیاری از آنان در حال خروج از حاکمیت استعماری بودند. اساسی‌ترین فرضیه نهفته در مفهوم عمومی توسعه، نیاز به کاهش فقر و به‌طور گسترده، افزایش رفاه توده مردم معمولی بود. به نظر می‌رسید که این موارد برای ترغیب توسعه‌ی اقتصادی، انسانی و سیاسی ضروری بودند (کلارک^۱، ۲۰۰۶). توسعه در کشورهای در حال توسعه، بلافاصله پس از جنگ جهانی دوم آغاز شد (رضوانی، ۱۳۹۴) این موضوع طی مراحل، با تقدم برتری نظریه‌ها و سیاست‌های خاص و مؤثری پیش رفت که به تدریج توسط نظریه‌ها و سیاست‌ها کنار گذاشته شد. گردشگری نیز با وعده ارزآوری، اشتغال و کاهش فقر بخصوص در مناطق محروم و روستایی، یکی از جذاب‌ترین راهبردهای توسعه است. شارپلی و تفلر (۲۰۱۴) معتقد هستند مراحل توسعه گردشگری نیز منطبق با این سیاست‌های توسعه‌ای در دهه‌های اخیر است به طوری که ژائو و ریچارد (۲۰۰۷) در مطالعه خود بیان داشته‌اند که در سال‌های اخیر تغییرات بنیادی در فلسفه مفاهیم توسعه، گردشگری و کاهش فقر روی داده است (شکل ۱) در دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ (چی ونز، ۲۰۰۷) هدف اصلی توسعه گردشگری عمداً بر رشد اقتصاد منطقه متمرکز بوده و توسعه گردشگری محلی نادیده گرفته می‌شد (ژائو و ریچارد، ۲۰۰۷؛ ژائو، ۲۰۰۹). در این دوره کشورهای در حال توسعه، پس از ناکامی در افزایش رشد اقتصادی و افزایش سطح فقر و بدهی‌های سنگین شروع به ایجاد ساز کارهای توسعه گردشگری در کشورهای خود نمودند بنابراین کاهش فقر به‌عنوان زیر هدف‌ها و پیامدهای رشد کلان اقتصادی در نظر گرفته می‌شد (هریسون، ۲۰۰۸) فرض بر آن بوده است که زمانی کل منطقه از طریق آورده‌های گردشگری بهره‌مند شد مزایای غیرمستقیم رشد اقتصاد منطقه‌ای از طریق کانال‌های متعددی از قبیل اشتغال، افزایش رفاه، به مردم فقیر سرازیر

^۱ Clark

خواهد شد (انور^۱، ۲۰۱۲). لذا سیاست گذران توجه قابل‌ملاحظه‌ای به رشد گردشگری نشان می‌دادند اما به این موضع که گردشگری به چه میزان در کاهش فقر تأثیرگذار است نمی‌پرداختند. در نتیجه تأثیر فقر بر گردشگری غیرمستقیم بوده است. (ژائو و رنتچ، ۲۰۰۷) پس در رویکرد نخست توسعه گردشگری، اساساً بر پایه بر قطب رشد، رشد اقتصاد کلان و کسب سود توسط بخش خصوصی استوار بوده است (یوسال و همکاران^۲، ۲۰۱۲) و فقرا در مسائل مرتبط با گردشگری جایگاهی نداشته‌اند (چی ونز و راسل، ۲۰۱۲).



شکل ۱: تغییر فلسفه رویکرد توسعه گردشگری و کاهش فقر (ژائو و رنتچ، ۲۰۰۷)

با ناکارآمدی رویکردهای گذشته در حمایت از اقشار فقیر جامعه و تأثیرات گردشگری جایگزین و انتقادات از تفکر نئولیبرالیسم رویکرد جدید گردشگری حامی فقرا شکل گرفت (چی ونز^۳، ۲۰۰۷) در رویکرد گذشته مردم فقیر در گردشگری ذی‌نفع نبوده‌اند. اما رویکرد جدید-گردشگری حامی فقرا- بین گردشگری و کاهش فقر ارتباط مستقیم برقرار می‌کند (ژائو، ۲۰۰۹) به طوری که توجه به فقرا به کانون نگرانی‌ها در برنامه‌های توسعه گردشگری تبدیل می‌شود و میزان برخورداری فقیران از منافع خالص گردشگری، معیار اولیه توجیه هرگونه ابتکار توسعه‌ای مبتنی بر گردشگری خواهد بود (شارپلی و تفلر^۴، ۲۰۱۴). عقیده بر این است که چنین فلسفه جدیدی، شانس برخورداری فقرا را از منافع حاصل از گردشگری ارتقا خواهد داد (ژائو و رنتچ، ۲۰۰۷). به طور کلی با توجه به تغییرات صورت پذیرفته می‌توان گفت در دهه‌های اخیر قرن بیستم، تفکر توسعه از یک مدل رشد گرا به یک

¹ Anwar
² Uysal et al
³ Scheyvens
⁴ Sharpley & Telfer

مدل توسعه انسانی تغییر کرده است. در واقع دیدگاه گردشگری جایگزین به دنبال نفی سیاست‌های نئولیبرالیستی و مادی‌گرایی جریان حاکم است و در برخی موارد با اصول بنیادی اقتصاد آزاد مبتنی بر سود مخالف می‌کند. بدین خاطر دیدگاه نئولیبرالیستی با توجه به پیامدهای نامناسب خود در یاری‌رساندن به فقرا دست به باز ساخت حمایتی در پیکره خود زده است تا از این طریق بتواند از افزایش روزافزون فقرا جلوگیری به عمل آورد و از نکات مثبت و منطقی گردشگری جایگزین نیز استفاده کند؛ اما نباید فراموش کرد که این سیاست‌های حمایتی نه در راستای چرخش عقیدتی است بلکه در راستای توسعه رویکردهای بازار آزاد و تسری آن به گروه‌های آسیب‌پذیر است. (چی ونز، ۲۰۰۷)

پیشینه پژوهش

کورس^۱ (۲۰۱۴) و کورس و وینگش^۲ (۲۰۰۸) دو کشور در حال توسعه امریکای مرکزی (نیکاراگوئه و کاستاریکا) را از نظر بهره‌مندی فقرا از منافع گردشگری مورد مطالعه قرار می‌دهد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که توسعه گردشگری باعث کاهش نرخ فقر در کشور نیکاراگوئه شده است اما در کاستاریکا با توجه به علاقه‌مندی به رشد کلان اقتصادی، تأثیر چندانی بر کاهش فقر نداشته است. در نهایت بیان می‌دارند که نوع هدف توسعه گردشگری می‌تواند در نقش گردشگری بر کاهش فقر مؤثر باشد. جاینگ و همکاران^۳ (۲۰۱۱) معتقدند بین افزایش گردشگری و نرخ فقر همبستگی منفی و معناداری وجود دارد به طوری با افزایش گردشگران نرخ فقر نیز کاهش می‌یابد. مطالعات در مناطق روستایی کشورهای بوتسوانا، نامیبیا و آفریقای جنوبی نشان می‌دهد گردشگری در مقایسه با دیگر صنایع تأثیر کمتری بر کاهش فقر داشته است مطالعات در مناطق روستایی تانزانیا نشان می‌دهد خانواده‌هایی که در بخش گردشگری فعالیت می‌کنند در مقایسه با فعالیت‌های سنتی از قبیل دامداری و کشاورزی کمتر در استانه فقر قرار می‌گیرند اما مطالعات در سطح منطقه‌ای در کشورهای چین مناطق روستایی اوتلنا تانزانیا کلیمانجارو زیمباو نشان می‌دهد توسعه گردشگری باعث کاهش فقر در مناطق روستایی شده است اما هولدون و همکاران^۴ (۲۰۱۱) در المینا غنا به این نتیجه رسیدند که در حال حاضر سهم فقرای روستایی از توسعه گردشگری بسیار محدود است مطالعات ترونک و همکاران^۵ (۲۰۱۴) در ساپا ویتنام نشان داد که منافع حاصل از توسعه گردشگری محلی در درجه اول به بخش خصوصی غیر فقیر اختصاص یافته است. ولی باین حال گردشگری به کاهش فقر در این مناطق کمک شایانی نموده است همچنین ساکنان روستای بارابارانی در تانزانیا و وسینی در کنیا اعتقاد داشتند که توسعه گردشگری باعث کاهش ابعاد مختلف فقر از جمله افزایش

¹ Croes

² Croes & Vanegas

³ Jiang, DeLacy, Mkiramweni, & Harrison

⁴ Holden, Sonne, & Novelli

⁵ Truong et al

درآمد محلی شده است اسلام و کارلسن^۱ (۲۰۱۲) موانع حمایت گردشگری از فقرزدایی را در مناطق روستایی بنگلادش حمایت ناکافی دولت و سازمان‌های غیردولتی، تسلط گردشگری توسط واسطه‌گران و افراد ثروتمند، عدم آگاهی یا توانایی جوامع محلی، آموزش پشتیبانی فنی ناکافی می‌دانند. سای من و همکاران^۲ (۲۰۱۲) به بررسی نقش گردشگری در کاهش فقر در آفریقای جنوبی پرداخته‌اند. آن‌ها در پژوهش خود علاوه بر نقش گردشگری داخلی گردشگری بین‌المللی را نیز در کاهش فقر بااهمیت تلقی می‌کنند. این پژوهش پیشنهاد می‌کند برای افزایش منافع برای فقرا باید بازار کار و منابع انسانی فقرا حمایت و سازمان‌دهی شوند چی ونز و راسل^۳ (۲۰۱۲) میزان تأثیرگذاری گردشگری بزرگ‌مقیاس و گردشگری کوچک‌مقیاس را در ایجاد امنیت و فرصت و توانمندسازی فقرا مورد مطالعه قرار دادند. نتایج این پژوهش نشان از آن دارد که هم گردشگری بزرگ‌مقیاس و هم کوچک‌مقیاس نقش مثبتی در ایجاد اشتغال و توسعه جامعه محلی داشته‌اند. اما سیاست‌های دولت بر جذب سرمایه‌های خارجی و توسعه گردشگری در مقیاس بزرگ از قبیل ساخت هتل‌های بزرگ . . . است. دیویدسون و سهلیب^۴ (۲۰۱۵) به ارزیابی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بخش هتل‌های گامبیا و نقش آن کاهش فقر و توسعه پایدار می‌پردازند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اشکال مختلف مالکیت هتل داری، مزایا و معایب پیچیده برای فقرا در پی دارد. هتل‌های بزرگ و مجلل که با سرمایه‌گذاری خارجی ایجاد شده‌اند تمایل بیشتر به استخدام کارکنان، پرداخت دستمزد بالاتر، آموزش کارکنان برای آن‌ها از اولویت خاصی برخوردار است. باتلر^۵ (۲۰۱۶) نیز به مطالعه نقش گردشگری در ظرفیت‌سازی و توانمندسازی جوامع فقیر روستایی (دولاستورم و میومالانجا) آفریقا جنوبی می‌پردازد. بوتلر معتقد است در برنامه‌های توسعه گردشگری روستایی بیش‌از حد معمول به منافع اقتصادی فقرا توجه شده است و منافع اجتماعی بندرت مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین در مطالعه خود سعی کرده است به مطالعه نقش منافع اجتماعی (توانمندسازی و ظرفیت‌سازی) توسعه گردشگری با استفاده از روش‌شناسی کیفی بپردازد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که توسعه گردشگری علاوه بر اثرات اقتصادی، اثرات اجتماعی بسیاری برای جوامع فقیر ایجاد کرده است.

¹ Islam & Carlsen

² Saayman, Rossouw, & Krugell

³ Scheyvens & Russel

⁴ Davidson & Sahli

⁵ Butler

معرفی روستاهای منتخب

در شرق استان سمنان سه روستای ابر، قلعه بالا و رضآباد، روستاهایی هستند که بیشترین ورودی گردشگری را به خود اختصاص داده اند. گزارش‌ها نشان می‌دهد که این سه روستا در هشت سال اخیر به‌عنوان مقاصد محبوب گردشگری بدل گشته‌اند. این سه روستا در درون یا حاشیه پارک توران قرار گرفته‌اند. این پارک بعد از پارک ملی سرنگتی^۱ در تانزانیا^۲ دومین منطقه بیوسفر جهان به شمار می‌آید. (طرح جامع گردشگری استان سمنان، ۹۶). پارک ملی توران دارای جاذبه‌های طبیعی و حیوانی منحصربه‌فرد است به‌طوری‌که به افریقای ایران مشهور شده است. در این منطقه بیش از ۲۵۰ گونه جانوری پستاندار، پرند، خزنده و دوزیست زندگی می‌کنند که مشهورترین آن‌ها یوزپلنگ آسیایی و گورخر ایرانی هستند (سازمان منابع طبیعی شهرستان شاهرود، ۱۳۹۶) این ویژگی‌ها باعث جذب بسیاری از گردشگران دوست دار طبیعت به این زیست‌گاه شده است. بنابراین در سالیان اخیر در مناطق روستاهای پارک ملی توران بخصوص سه روستای منتخب، مشاغل وابسته به گردشگری به یکی از مشاغل غالب بدل گردیده است. به‌طوری‌که با توسعه گردشگری ساخت صنایع‌دستی، فعالیت در اقامتگاه‌های بوم گردی، راهنمایان تور و فروش فراورده‌های کشاورزی به گردشگران... افزایش چشمگیری یافته است (گردشگری سمنان، ۱۳۹۶)

روستای قلعه بالا در ۱۴۰ کیلومتری جنوب شرقی شاهرود و ۲۴ کیلومتری شهر بیارجمند قرار دارد. این روستا با جمعیتی بالغ بر ۵۹۵ نفر پرجمعیت‌ترین روستای بخش بیارجمند است. (درگاه ملی آمار، ۱۳۹۵) روستای هدف گردشگری قلعه بالا در حاشیه دشت کویر، از موقعیت نیمه بیابانی با پوشش گیاهی متوسط برخوردار بوده و دارای اقلیم کوهپایه‌ای است و یک هزار و ۱۱۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. که با توجه به طبیعت زیستگاه توران و بافت روستایی بار ارزش خود گردشگران بسیاری را به سمت خود جذب می‌کند (طرح بافت باارزش روستای قلعه بالا، ۱۳۸۸) روستای رضآباد یکی از روستاهای بخش بیارجمند شاهرود است این روستا از چهار طرف به‌وسیله کویر احاطه شده است. این روستا در فاصله ۱۱۲ کیلومتری از مرکز بخش (بیارجمند) و ۲۲۰ کیلومتری از مرکز شهرستان قرار دارد و نزدیک‌ترین شهر به آن بیارجمند است. راه دسترسی روستا نیز شوسه است (طرح هادی روستای رضآباد، ۱۳۸۶)

روستای هدف گردشگری ابر در ۴۰ کیلومتری شمال شرقی شهر شاهرود در دامنه جنوبی رشته‌کوه البرز قرار گرفته است. منطقه حفاظت‌شده خوش بیلاق و منطقه شکارممنوع تپال نیز در نزدیکی روستای ابر واقع شده‌اند. میزان نزولات جوی در این منطقه بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلی‌متر و متوسط دما ۲۰ درجه سانتی‌گراد است. از سوی دیگر، روستای ابر در محل تلاقی سه جریان اقلیمی اصلی غرب و جنوب آسیا، یعنی پرفشارهای سبیری "جریان خشک و سرد"، پرفشار جنب حاره

¹ Serengeti National Park

² Tanzanian

"جریان گرم و بیابان‌زا" و زبانه‌های اطلس و مدیترانه "جریان معتدل و مرطوب" است (طرح روستای هدف گردشگری، روستای ابر، ۱۳۹۱)

روش پژوهش

روش کیفی تحلیل محتوا برای اکتشاف موانع پیش روی تحقق طبیعت گردی حامی فقرا در روستاهای منتخب انتخاب شد. انتخاب نمونه‌ها از طریق نمونه‌گیری هدفمند از نوع گوله برفی بوده است. به طوری که از هر شرکت‌کننده بعد از مصاحبه خواسته شد تا به معرفی افراد دیگر با ذکر آدرس محل سکونت آن‌ها بپردازند (دوایر، گیل و استارام، ۲۰۱۲). گردآوری اطلاعات از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته از افرادی که به مدت ۲ تا ۷ سال در فعالیتهای گردشگری این منطقه مشارکت داشته‌اند از قبیل فقرا، افرادی که از دایره فقر خارج شده‌اند، مدیران محلی، ساکنان و سرمایه‌گذاران به دست آمده است. (سوفر^۱، ۱۹۹۹) فرایند گردآوری اطلاعات تا سطح اشباع نظری و آستانه سودمندی اطلاعات، ادامه یافت (جدول ۲). مصاحبه‌ها با گرفتن وقت قبلی از مشارکت‌کنندگان و در محیط کار این افراد صورت گرفت. قبل شروع مصاحبه، هدف تحقیق برای شرکت‌کنندگان بازگو شد و از آن‌ها برای شرکت در تحقیق و استفاده از ضبط مصاحبه اجازه و رضایت‌نامه کتبی دریافت گردید و به آن‌ها اطمینان داده شد که اطلاعات به دست آمده در اختیار افراد دیگری گذاشته نمی‌شود. سپس سؤالات اصلی به ترتیب توسط گروه تحقیق که متشکل از دو متخصص گردشگری بودند، مطرح گردید (اریکسون و کووالاینن^۲، ۲۰۱۵). مدت زمان مصاحبه به طور ۳۵ دقیقه با انحراف معیار ۱۰ دقیقه بود. سؤال اصلی در رابطه با تجارب طبیعت گردی و کاهش فقر آغاز شد.

- وقتی از طبیعت گردی و کاهش فقر صحبت می‌شود چه خاطره‌ای در ذهن شما تداعی می‌شود؟
- وقتی از طبیعت گردی و کاهش فقر صحبت می‌شود، به یاد چه تجربه‌ای در محیط کاری خود می‌افتید؟

در فرایند انجام مصاحبه با افراد مختلف بنا به ضرورت سؤالات دیگری طرح گردید. در این مطالعه با توجه به فرهنگ و نوع نگرش برخی از خانواده‌ها به زن، مصاحبه با زنان با محدودیت‌هایی روبرو بود.

در این پژوهش فرایند گردآوری اطلاعات تا سطح اشباع نظری و آستانه سودمندی اطلاعات قابل دسترس، ادامه یافت (اریکسون و کووالاینن، ۲۰۱۵) به این ترتیب که پس از برگزاری این شمار مصاحبه (۳۰ مصاحبه)، گروه تحقیق به این نتیجه رسید که ضمن دستیابی به شناخت مورد نظر، نمی‌توان اطلاعات بیشتری را از این شیوه دست یافت.

¹ Sofaer

² Eriksson and Kovalainen

ابتدا چندین بار متن ضبط‌شده مصاحبه را به‌منظور ایجاد حس قرابت با مفاهیم نهفته در داده‌ها گوش داده شد؛ سپس آن را به متن کتبی تبدیل شد و مجدداً کل متن را چندین بار از ابتدا تا انتها خوانده شد و درنهایت خلاصه‌ای از کل مصاحبه و جریان نهفته در متن آن را نوشته شد (سوفر، ۲۰۱۵؛ اسمیت^۱، ۲۰۱۵). این عمل به محقق کمک نمود تا در جریان کدگذاری راحت‌تر بتواند مفاهیم اولیه نهفته در داده‌ها را کشف نماید. برنامه نرم‌افزار کامپیوتر NVIVO نسخه ۱۰ به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها به‌صورت کدهای منظم مورداستفاده قرار گرفت. سپس تم‌های اصلی و زیر تم‌ها استخراج شدند (اسمیت، ۲۰۱۵)

برای قضاوت در مورد اعتبار یافته‌ها، از چهار معیار سنجش اعتبار پژوهش‌های کیفی یعنی قابل قبول بودن، انتقال‌پذیری، قابلیت اطمینان و تائید پذیری استفاده شد. جهت تعیین قابل قبول بودن مطالعه از شیوه بررسی مشارکت‌کنندگان استفاده شد. به‌این ترتیب که نتایج تحلیل و مقوله‌بندی حاصل از مصاحبه‌ها در اختیار مشارکت‌کنندگان قرار داده شد و از آن‌ها خواسته خواهد شد اعتبار نتایج به‌دست‌آمده را بررسی کنند. در رابطه با انتقال‌پذیری سعی شد از توصیف عمیق استفاده شود. به‌این ترتیب که تا توصیف جزئی به‌قدر کافی درزمینهٔ ایجاد شوند و گزارش‌های آنان با جزئیات دقیق بیان گردد تا قابلیت انتقال‌پذیری به وجود آید. برای قابلیت اطمینان یافته‌ها سعی شد تا فرایندها و تصمیمات مربوط به پژوهش به‌طور مستند و واضح تشریح گردد (سیلیور من^۲، ۲۰۱۶؛ تیلور و همکاران^۳، ۲۰۱۵). در این مطالعات دو اصل مهم اخلاقی، حفاظت از حقوق مشارکت‌کنندگان و محرمانه نگه‌داشتن داده‌ها رعایت گردد. حق خروج از پژوهش برای هر یک از شرکت‌کنندگان محفوظ بوده است، زمان مصاحبه نیز بنا به تحمل مشارکت‌کنندگان تنظیم شد (لیمپوتینگ، ۲۰۱۳)

جدل ۲، مشارکت‌کنندگان

جنسیت		تعداد	مشارکت‌کنندگان
زن	مرد		
۱	۴	۵	فقرا
۳	۷	۱۰	افراد خارج‌شده از فقر
۰	۵	۵	مدیران محلی
۰	۳	۳	سرمایه‌گذاران
۲	۵	۷	ساکنین محلی
۶	۲۴	۳۰	کل

¹ Smith

² Silverman

³ Taylor, et al

یافته‌ها

۱- فرصت‌های آموزشی نابرابر

از آنجایی که ساکنان مناطق روستایی از آگاهی و مهارت‌ها کمتری نسبت به محیط‌های شهری برخوردارند. آموزش می‌تواند نقش بسیار مهمی در ظرفیت‌سازی، توانمندسازی و تسریع نهادسازی در مناطق روستایی ایفا نماید. به علت اهمیت آموزش و ترویج مهارت در بین روستاییان، دستگاه‌های مربوطه و سازمان‌های مردم‌نهاد اقدام به برگزاری کلاس‌های آموزشی در روستاهای مورد مطالعه کرده‌اند.

نتایج مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که برگزاری کلاس‌های آموزشی در روستاهای منتخب توانسته است توسعه گردشگری و توانمندسازی جامعه محلی را تسریع نماید. این آموزش‌ها طیف وسیعی از مهارت‌های گردشگری از قبیل چگونگی رفتار با گردشگران تا مهارت‌های از قبیل نحوه تهیه صنایع دستی و استانداردهای آن‌ها، چگونگی مدیریت اقامت گاه‌های بوم گردی ... را شامل می‌شود. این آموزش‌ها هم از طریق گروه‌های داوطلب و مردم‌نهاد و هم از طرف سازمان‌های منابع طبیعی و میراث فرهنگی و گردشگری شهرستان شاهرود برای توانمندسازی جامعه محلی تدارک دیده شده است. کلاس‌های آموزشی از دو طریق درخواست مدیریت روستایی از دستگاه‌های اجرایی مختلف و هم بنا بر احساس ضرورت سازمان‌های میراث فرهنگی و گردشگری، منابع طبیعی تشکیل می‌شود. یکی از مدیران شهرستانی در این رابطه اظهار می‌داشت که:

" ما سعی کردیم برای همه روستاییان کلاس‌هایی را برگزار کنیم تا روستاییان با روش‌های جدید آشنا کنیم... در همه این روستایی که شما نام بردید کلاس‌ها به‌طور مستمر تشکیل شده است"

یا یکی از ساکنان ادعا می‌کرد که:

"خبردارم گروه‌هایی هستند که خارج از مدیریت میراث هم به این روستاها رفتن و کلاس‌های آموزشی هم برگزار کردن که هم بخواسته یا هماهنگی دهیاری بوده یا به‌طور خود خوش این کارا را انجام دادن"

درعین حال نتایج مصاحبه‌ها نشان از آن دارد که فرصت‌های برابر آموزشی برای همه اقشار جامعه روستایی بخصوص فقرا وجود ندارد. فقرای روستایی به علت عدم آگاهی و فقر مالی در بسیاری از کلاس‌های آموزش گردشگری که در روستاهای منتخب تدارک دیده شده بود، توانایی شرکت نداشتند. از سوی دیگر فقرا به علت انزوای اجتماعی و عدم اعتمادبه‌نفس، بر این باور بودند که توانایی یادگیری و درگیری با این نوع کسب‌وکارها را ندارند و اصولاً خود را فاقد استعداد لازم برای یادگیری می‌دانستند. آن‌ها بر این باور بودند که اگر استعدادی وجود داشت مطمئناً می‌توانستند درگذشته آن‌ها را باور کرده و چرخه فقر بیرون بیایند؛ بنابراین به اعتقاد آن‌ها شرکت در کلاس‌های آموزشی امری بیهوده است. در این رابطه یکی از فقرا اظهار می‌داشت که:

"... نه اینکه تلاش نکردم و از بچگی دارم تو این زمین‌ها کار می‌کنم. بیشتر از اینم نتونستم... ما همین کار را بلدم و روزی ما هم همینیم... من فکر نمی‌کنم که از عهده گردشگری بر بیایم برای همین که تو این کلاس‌ها شرکت نمی‌کنم"

از سوی دیگر آموزش‌ها نه به‌صورت فراخوان و دعوت از کلیه افراد روستاها انجام می‌شد بلکه کاملاً گزینشی و با دعوت از گروه‌های مسلط بوده است. به این معنا که کلاس‌های آموزشی برای افراد خاص و با توانمندی و سرمایه معین برگزار می‌گردید. به‌عنوان مثال افرادی که توانمندی ساخت و یا توسعه اقامتگاه‌های بوم‌گردی را داشتند از قبل در کلاس‌های آموزشی دعوت به عمل می‌آمد؛ بنابراین در ساختار آموزش‌ها، آموزش‌هایی برای گروه‌های حاشیه‌ای روستایی در نظر گرفته نشده بود. پس ساختار آموزش‌ها که عمدتاً مبتنی بر آموزش‌های نهادهای دولتی است برنامه خاصی برای توانمندی و درگیری فقیرترین اقشار جامعه روستایی متصور نیست و تمام تمرکز خود را بر گروه‌های با دارایی‌ها و توانمندی حداقلی متمرکز کرده است. به‌عبارت‌دیگر ساختار آموزشی موجود تسهیل‌گر مناسبی برای ارتقای توانمندی گروه‌های حاشیه‌ای روستاها منتخب نیستند و به آموزش گروه‌های مسلط روستا توجه ویژه‌تری دارند. نکته دیگر آن بود که بخش اعظمی از محتوای آموزش‌های موجود متناسب با وضعیت روستاییان فقیر نبود و همان‌طور که گفته شد فقط شامل کسانی می‌شد که از حداقل توانمندی مادی و فکری برخوردار بودند و فقط نیازمند آگاهی بیشتر شتاب‌دهنده بودند. درحالی‌که فقرا برای ورود به عرصه‌های گردشگری نیازمند آموزش‌ها و توجه فراتر از افراد عادی هستند.

در حال عده کمی فقرا که توانسته بودند در کلاس‌ها به‌طور منظم شرکت کنند. یا آشنایی آنان به‌صورت اتفاقی بوده یا با تکیه علاقه یا شخصیت خاص فردی خود بوده یا به‌واسطه کلاس‌های گروه‌های سازمان‌های مردم‌نهاد (نهادهای مردم‌نهاد فعال در شهرستان شاهرود) موفق به شرکت در این دوره‌ها شده بودند. به‌طور کلی می‌توان گفت که اکثر فقرای روستایی از وجود این نوع کلاس‌ها ابراز بی‌اطلاعی می‌کردند:

"من اصلاً اسم این کلاس‌ها را نشنیدم و نمی‌دونم درباره چی صحبت میکنین... این چیزها بدرد من نمی‌خورن. کسی هم به من چیزی نمی‌گه که چه خبره... والا من سر در نمی‌ارم"

برخی از کلاس‌های آموزشی که به‌صورت تخصصی برگزار می‌گردید که افراد باید هزینه‌ای برای شرکت در این کلاس‌ها می‌پرداختند. هرچند این کلاس‌ها از حمایت‌های دولتی برخوردار بود و در مقایسه با کلاس‌های آموزشی آزاد در شهرها هزینه پایینی در نظر گرفته‌شده بود اما با این حال فقرای روستایی توانایی پرداخت آن را نیز نداشتند. برخی نیز به علت آنکه آینده روشنی را برای کسب‌وکارها گردشگری خود متصور نبودند اظهار می‌داشتند که این هزینه‌ها، فشار زیادی بر روی خانواده آن‌ها می‌آورد، بدون آنکه مطمئن باشند نتیجه خاصی را در پی دارد؛ بنابراین می‌توان گفت

به خاطر نوع نگاه و وضعیت مالی ضعیف و شکننده فقرای روستایی، ریسک فقرا برای این‌گونه مخارج نزدیک به صفر بود. یکی از فقرا در رابطه با شرکت در این نوع آموزش‌ها اظهار می‌داشت که:

"اره، شنیدیم که بعضی وقتا برای آموزش از شاهرود میان ولی میگن برای رفتن به آن کلاس‌ها پول میخواد... نمیدونم قیمتش چنده ولی هر چی باشه فک نکنم برای این کلاس‌ها بتونم پول بدم"

. یکی از ذی‌نفعان در رابطه بیان نموده است که:

"اول‌ازهمه اینکه اونا خودشان در این کلاس‌ها شرکت نمی‌کنند. دوم اینکه گردشگری پول و خلاقیت میخواد برای همین ما از کسایی دعوت می‌کنیم که این دوتا توانایی رو داشته باشند"

۲- بی‌انگیزی و تقدیرگرایی

نتایج نشان می‌دهد تقدیرگرایی مورد دیگری است که مانع درگیری فقرا در فعالیتهای مرتبط با گردشگری می‌شد. اعتقاد به تقدیرگرایی تقریباً در بین همه گروه‌های موجود در روستاهای منتخب و حتی به نحوی در مسئولین مشهود بود به طوری که تمام ناسامانی‌ها را به خواست متافیزیک ارتباط می‌دادند اما گروه‌های فقیر تقدیرگرا تر و سنتی‌تر از سایر گروه بودند. اعتقاد به تقدیرگرایی در بین فقرای روستایی باعث شده بود که آن‌ها گرفتار نوعی احساس بی‌قدرتی مزمن شوند. بنابراین فقرا مورد مطالعه به‌زعم خود افرادی بودند ناتوان باقابلیت‌های محدود، که توان کنترل آینده را ندارند.

از این روی مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که یکی از موانع مشارکت فقرا در فعالیتهای مرتبط با گردشگری، تقدیرگرایی و به تبع آن نوعی ناامیدی اجتماعی است. به طوری که برخی از فقرا موقعیت مناسبی برای کسب و کار گردشگری از قبیل اجاره خانه کوچک و گلی روستایی، یا فروش صنایع تبدیلی مثل ترشی، مربا.. دارند که در باغ‌های کوچک خود برداشت می‌کنند. اما آن‌ها هیچ رغبتی به ورود به این عرصه‌ها ندارند.

نتایج مصاحبه نشان از آن دارد که فقرا دچار نوعی سرنوشت‌گرایی شده‌اند به طوری اکثر آنان معتقد بودند که سرنوشت آنان قبلاً مشخص شده، و هر اتفاقی هم بیافتد نمی‌تواند سرنوشت آنان را تغییر دهد. بنابراین سرنوشت یک امر مطلق و از پیش تعیین شده است و بشر توانایی تغییر آن را ندارد. لذا می‌توان گفت عدم برنامه مدون برای آینده و در حال زندگی کردن یکی از مشخصه‌های فقرا در روستاهای منتخب بود.

آنان انگیزه لازم برای استفاده از فن‌آوری‌های نوین در بهره‌برداری از این سرمایه‌ها را نداشتند. نتایج پژوهش علت عدم رجوع به این فناوری‌های نوین را سرنوشت‌گرایی تشخیص داده است چراکه اعتقاد بر این است که رضای خدا برای ما کافی است و اگر مقدر بدارد پول به ما خواهد داد

" من به همین درآمدی که دارم و کمکی که از یارانه‌ها و کمیته امداد به هم میشه راضیم.. یک نون بخور نمیری هست که برای من و زنم(همسرم) کافیه... راضیم به رضای خدا ... الان مهم فقط بچه‌هام هستن اگه کاری واسه اونا انجام بدن برای ما کافیه"

نتایج مصاحبه‌ها نشان می‌دهد نحوه حمایت سازمان‌های خیریه دولتی از فقرا و توزیع پول برای شهروندان ایرانی بر بی‌انگیزگی در توسعه کسب کار در بین فقرا دامن زده است. به طوری که فقرای زندگی خود را با حقوق دریافتی از دولت و درآمد اندک خود تطبیق داده‌اند. به طوری که برخی از فقرا یارانه‌های ماهیانه دولتی و مستمری کمیته امداد امام خمینی حدود ۶۰ تا ۷۰ درصد درآمد آن‌ها را شامل می‌شد. این کمک‌های دولتی باعث بی‌انگیزگی و درنهایت تقدیرگرایی بیشتر در این طبقه اجتماعی شده بود. نتایج نشان می‌دهد آنان با کسب این درآمدها انگیزه خود را برای ارتقای زندگی خود از دست داده‌اند و برخی معتقد بودند که این پول‌ها را خدا رسانده و روزی آنان است. و کسانی که دنبال پول و درآمد بیشتری هستند دائماً حرص دنیا را می‌خورند به طوری که دنیا ارزش حرص خوردن را ندارد. به گفته یکی از مدیران محلی:

" با ورود گردشگری حجم زباله‌های خروجی از روستا زیاد شده از طرف دیگه باید روستا تمیز باشه که نظر گردشگر هم جذب بشه... برای همین منظور من یکی از این آقامون که میگین برای جمع اوری پست ماند پیشنهاد کار دادم گفتم بی ثواب هم نیست ولی قبول نکرد... میگفت همین قدرم بسه کفاف زندگیمون رو میده مطمئن باشین اگه این یارانه‌ها و [کمک‌های] کمیته [امداد] نبود قبول میکرد... دیگه سال‌ها اینطور زندگی کردن عادتشون شده..."

اکثر فقرای مشارکت‌کننده در تحقیق که در سنین میانی قرار داشتند به دلیل سرخوردگی در طی این سال‌ها دیگر امیدی برای پیشرفت و آموزش نداشتند. به‌عنوان مثال جوانان که در این طبقه قرار داشتند اکثر اظهار داشتند که به همه سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی سرزده‌اند و کمک خواسته‌اند یا از آن‌ها جویای کار در روستا یا شهر شده‌اند اما با توجه به ساختار اداری از یک‌سو و ناتوانایی این طبقه از سوی دیگر راهی به‌جایی نبرده‌اند. شواهد نشان از آن دارد که این گروه‌ها به علت این سرخوردگی در نهایت تفکر تقدیرگرایی که از قبل وجود داشته را بیشتر باور کرده و این حس را تقویت کرده‌اند.

یا فقیر دیگری اظهار می‌دارد که:

" من اگه میتونستم مثل بقیه زرنگ باشم و کار کنم الان وضعیتم اینطور نبود... وقتی جوون بودم همه اش تو باغا بودم و دنبال رفیق بازی، به جایی هم نرسیدم... بالاخره سرنوشت ما هم همینه. هر کی تو جوونی ش ی چیزی شد، شد. نشد دیگه نمیشه... الان برید سراغ جوونا دیگه از ما یادگیری کلاس درس.. گذشته"

۳- سبک زندگی

تفاوت سبک زندگی فقرا و گردشگران مشخصه‌ی دیگری بود که مشارکت فقرا را در فعالیت‌های مرتبط با گردشگری محدود می‌کرد. گردشگران روستاهای منتخب معمولاً از طبقه متوسط جدید شهری از قبیل شهری بزرگ مثل تهران و مشهد هستند. این افراد معمولاً باورها، هنجارها ارزش‌ها و سبک زندگی خاص خود را دارند و برای ارضای حس معنوی خود و کشف معانی جدید به گردشگری روستایی و طبیعت‌گردی علاقه‌مند هستند. از سوی دیگر جامعه روستایی بخصوص طبقه فقیر روستایی باورها، ارزش‌ها و هنجارهای این طبقه متوسط جدید متضاد با ارزش‌های خود می‌داند. لازم است این نکته اشاره شود که برخلاف قشر فقیر روستایی رابطه بین گردشگران و طبقه متوسط روستایی چه افرادی که در گردشگری به‌طور مستقیم ذی‌نفع هستند و چه افرادی که ذی‌نفع نیستند رابطه مطلوبی است.

" قبلاً که من تور به این منطقه می‌آوردم که از ماسه‌های روان دیدن کنند، اصلاً نمی‌توانستیم داخل روستا شویم. حدود ۵ تا ۱۰ کیلومتری روستا اتراق می‌کردیم... آن‌ها ما را نمی‌پذیرفتند ولی الآن وضعیت متفاوت شده. آن‌ها روزی نیست که با تماس نگیرند و نگویند تور جدید کی می‌آید... ولی با این حال هنوز کسانی هستند که ما را قبول ندارند و برخی موارد مشکلاتی برای ما به وجود می‌آورند. این گروه‌ها همانایی هستند که شما می‌گویید..."

فقرا معتقد بودند که سبک رفتار و پوشش افراد متناسب با فرهنگ روستا و سبک زندگی اسلامی نیست. به‌عنوان مثال در روستای رضآباد برخی بیان می‌داشتند که یا باید آن‌ها از این روستا بروند یا دیگر گردشگر به این روستا نیاید. البته اعتقاد آن‌ها با ضدیت با گردشگران نبود فقط سبک زندگی آن‌ها را مورد نقد قرار می‌دادند. گردشگران معمولاً هر شب در اقامتگاه بوم گردی، شب‌نشینی داشتند. یا اطراف روستا آتشی بر پا می‌کردند و شب را آنجا می‌گذراندند، یا علاقه‌مند بودند شب‌ها در کنار روستا و شنزارها کمپی تدارک دیده و اتراق کنند. به‌هرحال این شب‌نشینی همراه با سر صدای زیاد و همراه با حرکات موزون بود از طرف دیگر نوع حجاب دغدغه دیگری بود که هر روستایی بخصوص اقشار پایین‌تر را بشدت آزار می‌داد: به‌عنوان مثال، زنی از گروه فقرای شناسایی‌شده اعتقاد داشت که:

" ما وقتی عشایر بودیم از این آدم‌ها خبری نبود و الآن ببینید به چه روزی افتادیم. همه با چه وضعیتی به این روستا میان... قبلاً اسلام معتبرتر بود. به قول پدر بزرگم که می‌گفت خدا نکند فلک برگردد این عالم دگر گردد"

یا شخصی دیگر اظهار می‌داشت:

"خدا منو تو جهنم میندازه من میدانم این‌طور همیشه چون کاری نمی‌کنم باید پاشیم جلوی اینا رو بگیریم... خیلی از جوانای ما با گردشگری سرکار رفتن. کلی اقامتگاه بوم گردی اینجا درست شده. این خیلی خوبه اما این وضعیت رو همیشه تحمل کرد... خودتان برید ببینید که چه خبره..."

بنابراین با اینکه گردشگری می‌تواند کمک خوبی برای مردم فقیر روستایی باشد اما با توجه به اینکه تفاوت‌های سبک‌های زندگی روستاییان و گردشگران بسیار فاحش است، فقرا مخالف توسعه گردشگری در روستاهای خود هستند تا اینکه بخواهند از این فرصت استفاده کنند و کسب‌وکار جدیدی راه‌اندازی کنند. برخی معتقد بودند که این نوع کسب‌وکارها و این نوع پوشش، کسب‌وکار حلال نیست. به طوری که برخی معتقد بودند به دلیل این اختلافات مشکلات دیگری نیز در روستاها بخصوص در روستای ابر رخ داده است. مثلاً اذیت و آزار زنان در روستا. برخی جرائم که در این محیطها اتفاق افتاده است بنا بر پرونده‌های موجود در سیستم قضایی شهرستان، به دلیل تفاوت‌های فرهنگی است. طبق مستندات و اظهارات مدیران محلی و شهرستانی، عدم درک سبک زندگی ساکنان مناطق شهری توسط برخی روستاییان آن‌ها را به این توهم دچار کرده بود که آن‌ها مشکلی با این مزاحمت‌ها ندارند.

۴- مشکلات مدیریتی و تمرکزگرایی تصمیمات

یکی دیگر از موانع مشکلات مدیریتی و تمرکزگرایی تصمیمات بود. یکی از اصول گردشگری حامی فقرا مشارکت واقعی فقرا در تصمیم‌گیری و اجرای برنامه‌های توسعه گردشگری است. اما مدیریت گردشگری در منطقه درک درستی از برنامه‌های مشارکتی نداشته و اهمیتی برای نهادینه شدن مشارکت جامعه محلی بخصوص فقرای روستایی ندارد. به طوری نتایج حاصل از مصاحبه‌ها نشان می‌دهد طرح‌های اجرای شده فقط برچسب مشارکتی دارند و عملاً طرح‌های مشارکتی آنچه باید و شاید در این روستاها اجرا نمی‌شود. یکی از این دلایل را می‌توان نظام اداری و سلسله‌مراتبی در کشور دانست که مدیر دولتی بیشتر با نظام دستور و بالا به پایین عادت داده شده است. مفهوم مشارکت به عنوان یک رفع تکلیف دیده می‌شود به عنوان مثال یکی از مدیران شهرستانی بیان می‌کرد "دیروز یکی از مدیران اقامتگاه‌های بوم‌گردی با من تماس گرفت و این انتقاد را داشت که چرا از من به عنوان کارآفرین تقدیر نمی‌شود... این فرد تا دیروز حرف زدن هم بلد نبود ما به اینجا سطح رسانیدمش... حالا برای ما زبان درآورده است و تعیین تکلیف می‌کند..."

بنابراین حق چانه‌زنی فقرا در تصمیم‌گیری سیاسی و محلی به علت ساختار دولتی و سیستم برنامه‌ریزی بالا به پایین افزایش نیافته است. به طوری که برنامه‌های گردشگری و کاهش فقر نیز از بالا به فقرای روستایی تکلیف می‌شود.

یکی دیگر از دلایل آن که در مصاحبه‌ها و مشاهدات بسیار مشهود بود عدم درک صحیح فهم مشارکت در بین تمام ذی‌نفعان بود. به طوری که یک نوع سردرگمی در این رابطه وجود داشت. برنامه‌ای مشارکتی در حد برگزاری یک جلسات بحث و نظرخواهی از آن‌ها خلاصه می‌شد. اما مشارکت‌کنندگان چه فقرای روستایی و چه اهالی انتظار داشتند صدای آن‌ها نیز شنیده شود. یکی از فقرای شناسایی شده در آن رابطه بیا می‌دارد که:

"هیچ کسی از من کمک نمی‌خواهد... هیچ‌کس از من سؤال نمی‌پرسد که تو چی داری... اصلاً به حرفای ما اهمیت قائل نمیشن. بعضیا هم حس می‌کنم از حرف زدن با ما خجالت میکشن... کارایی رو به ما میگن ما هم انجام میدیم.. مثلاً میگن اگه فروشگاه افتتاح کنین یا فعالیت‌هایی انجام بدین که در خانه باشه ما بهتون وام کم‌بهره میدیم ... من خودم کاری رو که دارم انجام میدم دوست ندارم ولی برای وام مجبور شدم این کار رو شروع کنم"

یکی دیگر از مشکلات مدیریتی در روستاهای مطالعه شده، توجه مدیران به گردشگری با نگاه صرفاً افزایش رشد اقتصادی بود. به‌طوری که جامعه فقیر روستایی را در مرکز توجه خود قرار نمی‌داد و صرفاً اعتقاد بر این بود که با سرمایه‌گذاری در بخش‌های از قبیل اقامتگاه‌های بوم‌گردی در قلعه بالا و ایجاد پیست اتومبیل‌رانی در رضاآباد و سرمایه‌گذاری در جنگل ابر می‌توان به اقتصاد منطقه کمک کرد و به واسطه رشد اقتصادی حاصله، فقرای روستایی می‌توانند از مزایای گردشگری برخوردار شوند. این در حالی است که مدیریت گردشگری، برنامه مشخصی برای حمایت مستقیم از فقرا در توسعه گردشگری نداشت. یکی از مدیران در این رابطه اظهار می‌کرد:

"ما با چند سرمایه‌دار تهرانی حال مذاکره هستیم تا در یکی از روستاهای منتخبی که شما بدان اشاره کردید سرمایه‌گذاری کنند. مطمئناً این سرمایه‌گذاری در اقامتگاه بوم‌گردی جامعه محلی و به‌ویژه فقرای روستایی تأثیرات بسزایی دارد"

اما همه مسئولین در پاسخ به این سؤال که «چه برنامه‌ای در رابطه با فقرای روستایی دارید؟» به برنامه‌ای اشاره نکردند.

۵- روابط نابرابر قدرت

روابط نابرابر قدرت دیگر مؤلفه‌ای بود که مانع دسترسی فقرا به مزایای حاصل از گردشگری می‌شد. طبقه مسلط روستایی اغلب با روابط پیچیده تمام فرصت‌های موجود فعالیت‌های گردشگری را به نفع خود مصادره می‌کردند. فقرای روستایی خود را درون ساختاری که گفتمان آن بی‌اعتمادی به قشر فقیر جامعه و حمایت از افرادی است که دارای مهارت و قدرت هستند، می‌یافتند. سیستم دولتی برای راهی از دشواری‌های برقراری ارتباط با گروه‌های حاشیه‌ای برای پیشبردهای اهداف خود به بهانه اینکه این گروه‌های مسلط توانایی بیشتری برای تحقق برنامه‌ها دارند فقط آن‌ها را برای توسعه طرح‌های توسعه گردشگری تشویق می‌کردند. یکی از مدیران محلی ادعا می‌کرد:

"ببینید کاری باید انجام بدیم باید منطقی باشه. به نظر شما این چیزهایی که میگین مثل فقرزدایی و توانمندسازی فقرا ... اصلاً شدنیه؟؟ باید کار رو دست کسی بسپاریم که کاردان باشه. نه اینکه بسپاریم به دست کسانی که میدانم و می‌دونید نمیشه"

همچنین یکی از فقرا ادعا می‌کرد:

"من می‌خواستم خونه پدری را تبدیل به اقامتگاه بوم گردی کنم. خیلی هم تلاش کردم؛ میراث فرهنگی رفتم؛ فرمانداری رفتم. اصلاً انگار نه‌انگار... الان ی ساله که دنبالشم ولی نشده و میگن سرمایه‌ات کافی نیست. برای وام اصلاً ضامن‌داری؟...."

مدیریت نوین و سنتی روستا نیز در دست طبقه مسلط بود. نظرات این طبقه هم در سطح روستا و هم بخش و شهرستان تأثیرگذار است. به‌طوری‌که تمام تصمیم‌سازی‌ها و اجرا پروژه‌های با هماهنگی این قشر از جامعه اتخاذ می‌شود اما گروه‌های حاشیه‌ای به‌عنوان بخش بزرگی از این جوامع هیچ نقشی در این تصمیم‌گیری‌ها ندارد.

روابط قدرت بین سرمایه‌گذاران و کارگران نیز بشدت نابرابر و یک‌طرفه بود به‌طوری مشارکت‌کنندگان ادعا می‌کردند کارفرمایان برای فرار از قوانین کار در ایران، از بیمه کردن کارگران اجتناب می‌کنند و به همین دلیل امنیت شغلی بسیار پایین است. یکی از کارگران اقامتگاه‌ها مدعی بود که:

"من دو سال است که در این اقامتگاه مشغول به این کار شدم... از کارم رضایت کامل دارم ... اما اگر مرا اخراج کنند کجا باید برم؟ کدام نهاد از من حمایت می‌کند؟ اصلاً قراردادی ندارم که بخواهم ادعای خودم را ثابت کنم!"

بحث و نتیجه‌گیری

روستاهای منتخب شرق استان سمنان با وجود موفقیت در جذب گردشگر و مطرح‌شدن به‌عنوان روستاهای نمونه گردشگری، آن‌چنان‌که بایسته و شایسته است نتوانسته‌اند گروه‌های حاشیه‌ای روستایی را همانند سایر گروه‌های مسلط در منافع حاصل از گردشگری سهیم کنند؛ بنابراین در این پژوهش سعی شد با مصاحبه عمیق از ذی‌نفعان کلیدی طبیعت‌گردی روستاهای منتخب، مسائل و چالش‌های پیش روی تحقق گردشگری حامی فقرا، شناسایی و مورد واکاوی قرار گیرد. ذی‌نفعان مسائل و چالش‌های را در پنج مضمون اصلی نابرابری آموزشی، روابط نابرابر قدرت، سبک زندگی، تقدیرگرایی و مشکلات مدیریت و تمرکزگرایی تصمیمات طبقه‌بندی نمودند.

به علت ضعف توسعه نهادی در کشور، دولت به‌عنوان تنها مجری و ناظر طرح‌های توسعه‌ای مطرح است (رکن‌الدین افتخاری و عظیمی، ۱۳۹۳) در این رابطه چی ونز (۲۰۱۲) معتقد است که کشورهایی که دارای ساختاری متمرکز اند دولت نقش محوری‌تری در تعیین نوع نگاه به برنامه‌ریزی‌ها بخصوص برنامه‌ریزی در فعالیتهای مرتبط با گردشگری دارد (چی ونز، ۲۰۱۲). نتایج پژوهش نیز نشان‌دهنده حضور دولت در تمامی عرصه‌های برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت فعالیت‌های گردشگری در تمامی سطوح است. تحلیلی بر یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نگاه برنامه‌ریزی دولت در روستاهای منتخب بجای حضور و رؤیت فقرا، نگاهی از نوع اقتصاد نئولیبرالیستی است

به‌طوری‌که تلاش دارد تنها از طریق بخش خصوصی، رشد اقتصادی جامعه را شتاب دهد؛ اما سیاست‌های نئولیبرالیستی در گردشگری در دهه ۱۹۸۰ به بعد نشان‌دهنده ناکارآمدی این رویکرد در کاهش فقر در کشورهای جهان سوم بوده است (شیلچر، ۲۰۰۷). اما حال اکثر کشورها با عبور از سیاست‌های نئولیبرالی به دنبال رویکردهای توسعه‌ای حامی فقرا در کشورهای خود هستند. به‌طوری‌که معتقدند بجای به‌کارگیری سیاست‌های واسطه‌ای کمک به فقرا (به‌واسطه رشد اقتصادی)، باید فقرا را رؤیت و با نگاه توسعه‌ظرفیتی، آن‌ها را توانمند کرد (چی ونز، ۲۰۰۷؛ یوسال ۲۰۱۲). اما مدیریت محلی در روستاهای منتخب برای کاهش فقر فقط به کمک‌های نقدی سازمان‌های خیریه دولتی و تسری رشد اقتصادی به گروه‌های حاشیه‌ای امید بسته است. این موضوع خود در کنار تصمیم‌گیری متمرکز و عدم ایجاد فرصت‌های برابر برای همه گروه‌ها، بغرنج‌تر شده است.

آموزش به‌عنوان یکی از اصول ابتدایی برای توانمندی گروه‌های مختلف محسوب می‌شود (شارپلی و تفلر، ۲۰۱۴؛ شارپلی و نادویو، ۲۰۱۰). اما ساختار آموزش‌های تخصصی گردشگری در روستاهای منتخب برای گروه‌های مسلط طراحی شده است. به‌طوری‌که این آموزش‌ها برای افرادی در نظر گرفته شده که آگاهی و سرمایه کافی برای فعالیت در کسب کارهای گردشگری را در اختیار دارند؛ بنابراین می‌توان گفت نابرابری آموزشی یکی از موانع تحقق طبیعت‌گردی حامی فقرا مطرح است. نتایج نشان می‌دهد ساختار و محتوای آموزش‌ها برای فقرای روستایی تدوین نشده و فقرا حس همزادپنداری با آموزش‌های موجود برقرار نمی‌کنند. در صورتی‌که برای ورود فقرا به فعالیت‌های گردشگری به غیر آموزش‌های تخصصی، ابتدا به آموزش‌های ویژه و پایه‌ای نیازمند هستند تا بتوانند آگاهی مهارت‌های حداقلی را به دست آورند (شارپلی و تفلر، ۲۰۱۴). به لحاظ نظری نیز گردشگری حامی فقرا معتقد به یادگیری چند رشته‌ای است؛ به این معنا که توسعه گردشگری حامی فقرا نیازمند آموزش‌هایی با مضمون تحلیل‌های فقر، مدیریت محیطی، حکمروایی خوب و توسعه نهادهای محلی است (اشلی، ۲۰۰۶) اشلی و ریچارد (۲۰۰۹) صحبت از ایجاد انگیزه برای فقرا می‌کنند تا این گروه‌ها بتوانند با امید و انگیزه بیشتری در فعالیت‌های مرتبط با گردشگری ورود پیدا کنند (اشلی و میچل، ۲۰۰۹). بر همین اساس، روستاهای منتخب با درک شرایط ویژه فقرا به ساختار آموزشی خاص خود نیازمند دارند تا ظرفیت‌های پنهان و آشکار خود را شناخته و آن‌ها را شکوفا نمایند.

تقدیرگرایی مشخصه دیگری است که مانع درگیر شدن فقرا در فعالیت‌های مرتبط با طبیعت‌گردی می‌شود. در این رابطه نارایان پارکر (۲۰۰۲) بیان می‌دارد که یکی از دلایل مهمی که تقدیرگرایی را در جامعه تشدید می‌کند، عدم تحقق عدالت اجتماعی در جامعه است (نارایان پارکر، ۲۰۰۲). به این معنا که ناعدالتی موجود در جامعه، حس سرخوردگی را تشدید می‌کند و این

عوامل منجر به انزوا گرایی و قبول سرنوشت گرایی خواهد شد (کروز^۱، ۲۰۱۴؛ اشلی و همکاران، ۲۰۰۰، انور، ۲۰۱۲؛ اندرسون، ۲۰۱۵؛ راغفور و باباپور^۲، ۲۰۱۶) نتایج پژوهش در روستاهای منتخب نیز نشان از بی‌عدالتی و حس سرخوردگی گروه‌های ضعیف جامعه در مقیاس خرد و کلان دارد. این موضوع باعث افزایش تقدیرگرایی و دوری از روحیه پیشرفت و تلاش مضاعف برای بهبود وضعیت خویش شده است. بنابراین ایجاد انگیزه و باور این موضوع که آینده را می‌توان تغییر داد، می‌تواند وضعیت فعلی را بهبود بخشد. از سوی دیگر سبک زندگی فقرا در تضاد با سبک زندگی گردشگران قرار دارد. به‌طوری‌که بسیاری از فقرای روستایی حاضر به پذیرش رفتارهای طبقه متوسط شهری نیستند. این موضوع درگیری فقرا را در فعالیت‌های گردشگری محدود می‌کند. سبک زندگی فقط محدود به داشته‌های یک فرد نیست بلکه چگونگی نمایش آن‌ها توسط فرد از اهمیت برخوردار است. سبک زندگی هم الگوهای مصرف را شامل می‌شود و هم قدرتی که از این ناحیه کسب می‌شود. سلیقه، آداب معاشرت و مد، به منزله علائم داشتن موقعیت در نردبان اجتماعی شناخته می‌شوند. در صورتی‌که تشویق آموزش‌های مشارکتی بین مهمان و میزبان، آموزش تحمل تفاوت‌های فرهنگ‌ها و روش‌های زندگی، افزایش آگاهی نسبت به محیط فرهنگ بین گردشگران و جامعه میزبان می‌تواند این تنش را کاهش دهد (اندرسون^۳، ۲۰۱۵؛ انور^۴، ۲۰۱۲؛ اشلی و همکاران^۵، ۲۰۰۰؛ هال^۶؛ ۲۰۰۷؛ اسلام و کارلسن، ۲۰۱۲)

نتایج نشان می‌دهد تمرکزگرایی در تصمیم‌گیری‌ها، مؤلفه دیگری است که به فقرا اجازه تصمیم‌گیری و مشارکت را نمی‌دهد در حالی‌که مشارکت در تمام سطوح، یکی از مؤلفه‌های اصلی گردشگری حامی فقرا است. به‌طوری‌که اعتقاد بر این است که اگر معاش فقرا به هر نحوی از راه گردشگری تأمین شود یا می‌تواند تأمین شود، آن‌ها باید به‌عنوان یکی از ذی‌نفعان در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت داشته باشند. (اشلی و همکاران، ۲۰۰۰) اما ساختار تصمیم‌گیری متمرکز به‌صورت سیستماتیک این اجازه مشارکت را به تمام اقشار جامعه روستایی نمی‌دهد به‌طوری‌که سیاست‌های گردشگری روستایی از بالا به پایین به روستاییان دیکته می‌شود. اما بعضاً مشاهده می‌شد که نظرخواهی صرفاً از طبقه مسلط صورت می‌گیرد. این در صورتی است که کسی به خواسته‌های طبقه پایین جامعه، حتی در حد نظرخواهی نیز اهمیت نمی‌دهد. علاوه بر ناعدالتی در ساختار مدیریت دولتی (روابط عمودی) بین طبقات مختلف جامعه روستایی مطالعه شده، روابط افقی در روستاهای مورد مطالعه نیز نابرابر است به‌طوری‌که به‌رغم برگزاری چند جلسه برای رفع مشکلات فقرا و جمع‌آوری پول برای خانواده‌های فقیر، روابط طبقه متوسط با طبقه پایین جامعه نیز

¹ Croes

² Raghfar & Babapour

³ Anderson

⁴ Anwar

⁵ Ashley et al

⁶ Hall

به نوعی مانع پیشرفت این طبقه است. با توجه به یافته‌ها و بحث‌های مطرح شده پیشنهادات ذیل قابل طرح هستند:

- هدف قراردادن فقرا در برنامه‌های توسعه طبیعت گردی، به‌طوری‌که اطمینان حاصل شود آن‌ها از مزایای فعالیت‌های طبیعت‌گردی بهره‌مند خواهند شد.
- آموزش‌های یادگیری مشاغل رسمی و غیررسمی برای فقرای روستایی و همچنین چگونگی به‌کارگیری این مشاغل
- آگاهی‌بخشی و آشناکردن فقرا با وقع‌گرایی تجاری در طبیعت گردی
- تشکیل کلاس‌های آموزشی برای آموزش فقرا نسبت مسئولیت‌های آموزشی خود
- فراهم آوردن فرصت‌های تصمیم‌گیری برای فقرا
- تعریف مسئولیت برای تمامی گروه‌های ذی‌نفع
- کاربرد شیوه‌هایی که به فقرای روستایی، قدرت و اختیار شناخت بیشتری از مسائل مرتبط با آن را می‌دهد و توانایی آنان را در تولید و ارائه راهکارهای خلاقانه، ارتقا می‌بخشد.



منابع:

۱. عظیمی آملی، جلال، رکن‌الدین افتخاری عبدالرضا (۱۳۹۳) حکمروایی روستایی (مدیریت توسعه پایدار)، انتشارات سمت، تهران
۲. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی ایران. ۱۳۸۹. طرح هادی روستای قلعه بالا.
۳. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی ایران. ۱۳۹۰. طرح هادی روستای ابر.
۴. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی ایران. ۱۳۹۳. طرح هادی روستای رضآباد.
۵. گزارش‌های کمیته امداد امام خمینی (ره)، ۱۳۹۵
۶. گزارش‌های سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری، ۱۳۹۵
۷. گزارش سازمان منابع طبیعی استان سمنان، ۱۳۹۶
8. Anderson, W. (2015). Cultural tourism and poverty alleviation in rural Kilimanjaro, Tanzania. **Journal of Tourism and Cultural Change**, 13(3), 208-224.
9. Anwar, J. M. (2012). Poverty Alleviation Through Sustainable Tourism: A Critical Analysis Of'Pro-Poor Tourism'And Implications For Sustainability In Bangladesh. **Ritsumeikan Asia Pacific University**.
10. Ashley, C. (2006). Participation by the poor in Luang Prabang tourism economy: Current earnings and opportunities for expansion: Overseas development institute (ODI).
11. Ashley, C., Boyd, C., & Goodwin, H. (2000). Pro-poor tourism: putting poverty at the heart of the tourism agenda.
12. Ashley, C., & Mitchell, J. (2009). Tourism and poverty reduction: Pathways to prosperity: **Taylor & Francis**.
13. Ashley, C., & Roe, D. (2002). Making tourism work for the poor: strategies and challenges in southern Africa. **Development Southern Africa**, 19(1), 61-82.
14. Ashley, C., Roe, D., & Goodwin, H. (2001). Pro-poor tourism strategies: Making tourism work for the poor: A review of experience: **Iied**.
15. Bowden, J. (2005). Pro-poor tourism and the Chinese experience. *Asia pacific journal of tourism research*, 10(4), 379-398.
16. Butler, G. (2016). Fostering community empowerment and capacity building through tourism: perspectives from Dullstroom, South Africa. **Journal of Tourism and Cultural Change**, 1-14.
17. Clark, D. (2006). *The Elgar companion to development studies*: Edward Elgar Publishing.
18. Croes, R. (2014). The role of tourism in poverty reduction: an empirical assessment. **Tourism Economics**, 20(2), 207-226.
19. Croes, R., & Vanegas, M. (2008). Cointegration and causality between tourism and poverty reduction. **Journal of Travel Research**.
20. Davidson, L., & Sahli, M. (2015). Foreign direct investment in tourism, poverty alleviation, and sustainable development: a review of the Gambian hotel sector. **Journal of Sustainable Tourism**, 23(2), 167-187.
21. Duygan, B., & Bump, J. B. (2007). Can trade help poor people? The role of trade, trade policy and market access in Tanzania. **Development Policy Review**, 25(3), 293-310.
22. Dwyer, L., Gill, A., & Seetaram, N. (2012). Handbook of research methods in tourism: Quantitative and qualitative approaches: **Edward Elgar Publishing**.

23. Eriksson, P., & Kovalainen, A. (2015). *Qualitative methods in business research: A practical guide to social research*: Sage.
24. Flick, U. (2014). *An introduction to qualitative research*: Sage.
25. Gascón, J. (2015). Pro-Poor Tourism as a Strategy to Fight Rural Poverty: A Critique. *Journal of Agrarian Change*, 15(4), 499-518. doi:10.1111/joac.12087
26. Hall, C. M. (2007). Pro-poor tourism: who benefits?: perspectives on tourism and poverty reduction (Vol. 3): **Channel View Publications**.
27. Harrison, D. (2008). Pro-poor Tourism: a critique. *Third World Quarterly*, 29(5), 851-868. doi:10.1080/01436590802105983
28. Holden, A., Sonne, J., & Novelli, M. (2011). Tourism and poverty reduction: An interpretation by the poor of Elmina, Ghana. *Tourism planning & development*, 8(3), 317-334.
29. Islam, F., & Carlsen, J. (2012). Tourism in rural Bangladesh: Unlocking opportunities for poverty alleviation? *Tourism Recreation Research*, 37(1), 37-45.
30. Jiang, M., DeLacy, T., Mkiramweni, N. P., & Harrison, D. (2011). Some evidence for tourism alleviating poverty. *Annals of Tourism Research*, 38(3), 1181-1184.
31. Liamputtong, P. (2013). *Qualitative research methods*.
32. Medina-Muñoz, D. R., Medina-Muñoz, R. D., & Gutiérrez-Pérez, F. J. (2016). The impacts of tourism on poverty alleviation: an integrated research framework. *Journal of Sustainable Tourism*, 24(2), 270-298.
33. Muganda, M., Sahli, M., & A Smith, K. (2010). Tourism's contribution to poverty alleviation: A community perspective from Tanzania. *Development Southern Africa*, 27(5), 629-646.
34. Mutana, S., Chipfuva, T., & Muchenje, B. (2013). Is tourism in Zimbabwe developing with the poor in mind? Assessing the pro-poor involvement of tourism operators located near rural areas in Zimbabwe. *Asian Social Science*, 9(5), 154.
35. Narayan-Parker, D. (2002). *Empowerment and poverty reduction: A sourcebook*: **World Bank Publications**.
36. Raghfar, H., & Babapour, M. (2016). *Poverty, Inequality, and Income Mobility in Iran: A Pseudo-Panel Approach Economic Welfare and Inequality in Iran* (pp. 47-83): **Springer**.
37. Saayman, M., & Giampiccoli, A. (2016). Community-based and pro-poor tourism: Initial assessment of their relation to community development. *European Journal of Tourism Research*, 12, 145.
38. Saayman, M., Rossouw, R., & Krugell, W. (2012). The impact of tourism on poverty in South Africa. *Development Southern Africa*, 29(3), 462-487. doi:10.1080/0376835x.2012.706041
39. Saito, N., Ruhanen, L., & Noakes, S. (2016). International tourism consultant perspectives on pro-poor tourism projects in developing countries. *CAUTHE 2016: The Changing Landscape of Tourism and Hospitality: The Impact of Emerging Markets and Emerging Destinations*, 837.
40. Scheyvens, R. (2007). Exploring the Tourism-Poverty Nexus. *Current Issues in Tourism*, 10(2), 231-254. doi:10.2167/cit318.0
41. Scheyvens, R. (2012). *Tourism and poverty*: **Routledge**.
42. Scheyvens, R., & Russell, M. (2012). Tourism and poverty alleviation in Fiji: Comparing the impacts of small-and large-scale tourism enterprises. *Journal of Sustainable Tourism*, 20(3), 417-436.
43. Schilcher, D. (2007). Growth versus equity: The continuum of pro-poor tourism and neoliberal governance. *Current Issues in Tourism*, 10(2-3), 166-193.

44. Sharpley, R., & Naidoo, P. (2010). Tourism and poverty reduction: The case of Mauritius. **Tourism and Hospitality Planning & Development**, 7(2), 145-162.
45. Sharpley, R., & Telfer, D. J. (2014). Tourism and development: concepts and issues (Vol. 63): **Channel View Publications**.
46. Silverman, D. (2016). Qualitative research: **Sage**.
47. Smith, J. A. (2015). Qualitative psychology: A practical guide to research methods: Sage.
48. Sofaer, S. (1999). Qualitative methods: what are they and why use them? **Health services research**, 34(5 Pt 2), 1101.
49. Spenceley, A., & Seif, J. (2003). Strategies, impacts and costs of pro-poor tourism approaches in South Africa.
50. Taylor, S. J., Bogdan, R., & DeVault, M. (2015). Introduction to qualitative research methods: A guidebook and resource: **John Wiley & Sons**.
51. Truong, V. D., Hall, C. M., & Garry, T. (2014). Tourism and poverty alleviation: Perceptions and experiences of poor people in Sapa, Vietnam. **Journal of Sustainable Tourism**, 22(7), 1071-1089.
52. Uysal, M., Perdue, R., & Sirgy, J. (2012). Handbook of tourism and quality-of-life research: Enhancing the lives of tourists and residents of host communities: **Springer Science & Business Media**.
53. Zhao, W. (2009). Small Tourism Business Development: A Developing Country Perspective. (PHD), **UNIVERSITY OF CALGARY**.
54. Zhao, W., & Ritchie, J. B. (2007). Tourism and poverty alleviation: An integrative research framework. **Current Issues in Tourism**, 10(2-3), 119-143.

